

بررسی فقهی - حقوقی دشنام به اشخاص مقدس و اهانت به مقدسات

مسلم واحدی^۱ * علی عسگری مروت^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۱ پذیرش ۱۳۹۷/۷/۸

چکیده

در قانون م.ا، مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۶۲ «سب نبی» به عنوان یکی از حدود الاهی و در قانون م.ا، مصوب ۱۳۷۵ در ماده ۵۱۳ اهانت به مقدسات اسلامی به عنوان تعزیر جرم انگاری شده است. دشنام عبارت است از اهانت لفظی که در معنا نزدیک قذف باشد؛ یعنی فحش ناموسی و اگر نسبت به اشخاص احصا شده در ماده ۲۶۲ و تبصره آن باشد، موجب حد اعدام و اگر نسبت به سایر اشخاص مقدس باشد، مشمول ماده ۵۱۳ و موجب تعزیر است. اهانت به مقدسات هم مشمول ماده ۵۱۳ قرار می گیرد که از لحاظ رفتار مجرمانه شامل گفتار و رفتار اهانت آمیز نسبت به مقدسات اسلامی است. از لحاظ تطبیقی در ایالات متحده آمریکا تا قبل از تصویب لایحه حقوق بشر در سال ۱۹۷۱ در برخی ایالات توهین به مقدسات جرم بوده است و بعد از تصویب

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران،

نویسنده مسئول. moslem.vahedi@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی پردیس فارابی دانشگاه تهران،

بررسی فقهی - حقوقی دشنام به اشخاص مقدس و اهانت به مقدسات ◇ ۱۸۵

این لایحه از این عنوان جرم زدایی به عمل آمد. در لبنان هم توهین به مقدسات مذهبی جرم است.

واژگان کلیدی: سبّ نبی، دشنام، اهانت، توهین، مقدسات.

مقدمه

توهین به اشخاص، اصولاً از جمله جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص می‌باشد؛ مگر در برخی موارد که علیه ارزش‌های معنوی و دینی یک جامعه است (سب نبی و اهانت به مقدسات اسلامی). مقدسات مذهبی همواره در طول تاریخ ارزش ویژه‌ای برای افراد داشته و در جوامع مختلف، شاهد حمایت کیفری از مقدسات بوده‌ایم. در قانون حمورابی اهمیت ویژه‌ای برای مقدسات و پرستشگاه‌ها در نظر گرفته شده است. مثلاً سرقت از معبد دارای مجازات شدیدتری نسبت به سرقت از سایر اماکن است. اهانت به مقدسات در یونان باستان به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: اهانت به پرستشگاه‌ها، اهانت به پدر و مادر، استفاده بدون اجازه از اموال دولتی، تجاوز به حقوق اجتماعی افراد. همچنین در آیین زردشت برخی امور قداست ویژه‌ای داشتند؛ مانند اهورامزدا، آب، آتش و گاو که بی‌احترامی بدان مجازات شدیدی در پی داشت. در آیین یهود هم اهانت به مقدسات دارای ضمانت اجرای کیفری شدیدی بود، مانند بدگویی نسبت به خداوند، کار کردن در روز شنبه، توهین به پدر و مادر که همگی مجازات اعدام دارند. در دین مسیح، لعن و نفرین دشمنان جایز نیست؛ مثلاً مجازات اهانت به شریعت موسی اعدام است. اهانت به حضرت مریم هم موجب ارتداد و کفرگویی است.

بررسی فقهی - حقوقی دشنام به اشخاص مقدس و اهانت به مقدسات ◇ ۱۸۷

در دین اسلام، ارتداد به معنای خروج از دین اسلام است و مجازات مرتد فطری اعدام و مجازات مرتد ملی در صورت عدم توبه اعدام است. «سب» به معنای ناسزا گفتن به انبیای الهی یا یکی از ائمه شیعه یا حضرت فاطمه علیها السلام می‌باشد که با شرایطی موجب اعدام است. ادعای پیامبری یکی از ضروریات دین اسلام ختم نبوت است. بنابراین، هرکس ادعای پیامبری کند، «مرتد» محسوب می‌شود و مجازاتش اعدام است (احمد زاده، ۱۳۹۴، ص ۶۳-۷۵). از این رو، قانون‌گذار در طول زمان‌های متمادی در این زمینه جرم‌انگاری کرده است.

متمم قانون اساسی مشروطه و قانون اساسی ۱۳۶۸: در اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه و در اصل چهارم قانون اساسی ۱۳۶۸ به تطبیق کلیه قوانین موضوعه با موازین اسلامی اشاره شده است. در لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴، اهانت به مقدسات در قانون مجازات عمومی تصریح نشده بود، بلکه در ماده ۱۳ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ ذکر شده بود: «هرکس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد، به یک سال تا سه سال حبس جنحه‌ای محکوم می‌شود.» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این جرم فقط از طریق انتشار در روزنامه‌ها و مقالات و... جرم‌انگاری شده بود (شامبیاتی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۱). در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، در ماده ۲۶ آمده است: «هرکس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع بر اساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.» سپس در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات): در ماده ۵۱۳ مقرر داشت: «هرکس به مقدسات اسلام و یا هریک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین یا حضرت صدیقه طاهره علیها السلام اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النبی باشد، اعدام و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال

محکوم خواهد شد.» به رغم این که در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ و قانون راجع به حدود و قصاص و دیات ۱۳۶۱، به جرم ساب النبی اشاره‌ای نشده بود (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۲). قانون م. ا، مصوب ۱۳۹۲، در کتاب حدود فصل پنجم مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ به جرم‌انگاری در مورد «ساب النبی» پرداخته است.

دشنام

"دشنام" مرکب است از «دُش» و «نام» که به معنای اسم و شهرت بد می‌باشد و با فحش، سرزنش، بهتان، طعنه، لعنت، سبّ و شتم مترادف است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۹۵۹۸). "فحش" به معنای از حد گذشتن در بدی و با دشنام و ناسزا مترادف است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۴۹۷۶). برخی، توهین لفظی را فحاشی دانسته‌اند (ولیدی، ۱۳۹۳، ص ۴۷۴). برخی دیگر هم فحش را به معنای هر لفظ زشت و مستهجنی دانسته‌اند که به منظور تحقیر طرف مقابل استفاده می‌شود (شامبیاتی، ۱۳۹۳، ص ۴۹۸). "قذف اسناد دادن زنا یا لواط به دیگری است (لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۵۲۹). طبق ماده ۲۴۵ ق.م.ا، مصوب ۱۳۹۲: «قذف عبارت است از نسبت دادن زنا یا لواط به شخص دیگر، هر چند مرده باشد.» منظور از اشخاص مقدس، کسانی هستند که از نظر دین اسلام دارای احترام خاصی هستند.

منظور از واژه «دشنام» در ماده ۲۶۲ ق.م.ا، مصوب ۱۳۹۲

در ماده ۲۶۲، منظور از قذف روشن است. اما درباره "دشنام" تعریف دقیقی ارائه نشده است. از نظر برخی حقوقدانان در این جا دو احتمال وجود دارد: الف) مطلق هر لفظ اهانت بار و دشنام و ناسزا؛ همان‌طور که از ظاهر کلام فقها به دست می‌آید؛ ب) لفظ اهانت باری که به قذف پیامبر منجر شود؛ با توجه به این اماره و قرینه که حکم ساب النبی در ضمن فصل مربوط به قذف آمده است. قانون‌گذار احتمال اول را

بررسی فقهی - حقوقی دشنام به اشخاص مقدس و اهانت به مقدسات ◇ ۱۸۹

قبول دارد؛ زیرا اولاً کلام فقها مطلق است؛ ثانیاً صرف ذکر حکم سب النبی در ضمن فصل قذف، بر این دلالت ندارد که این واژه را به معنای قذف حمل کنیم (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۱۳-۱۴). از نظر برخی حقوقدانان، قانونگذار واژه دشنام را تعریف نکرده، بلکه تشخیص آن را بر عهده قاضی دادگاه گذاشته است (شامبیاتی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۸). به نظر می‌رسد منظور از دشنام، اهانت لفظی است که معنایی شبیه قذف دارد؛ یعنی فحش‌های ناموسی و نه مطلق اهانت لفظی. توجه به این سه دلیل این برداشت را تقویت می‌کند: ۱. معنای لغوی و عرفی؛ ۲. این که احکام سب نبی در کتاب‌های فقهی معمولاً بعد از مبحث قذف آمده است؛ ۳. ضرورت تفسیر محدود قوانین کیفری.

اشخاص مقدس

در ماده ۲۶۲ ق.م.ا، مصوب ۱۳۹۲ و تبصره آن به اشخاص ذیل اشاره شده است:

الف) پیامبر اعظم ﷺ: منظور حضرت محمد ﷺ پیامبر اسلام می‌باشد.

ب) انبیاء عظام الاهی: انبیای عظام الاهی را می‌توان به سه نوع تفسیر کرد: الف) تمامی پیامبران، ب) پیامبران اولوالعزم، ج) پیامبران مذکور در قرآن. از نظر برخی از فقها سب تمامی انبیا مشمول حکم سب نبی است. صاحب جواهر در این خصوص بیان می‌دارد: «فی الحاق باقی الانبیاء بذلک قوه لأن کمالهم و تعظیمهم علم من دین الاسلام ضروره فسیبهم ارتداد (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۴۳۶)؛ درباره شمول سایر پیامبران به حکم سب النبی نظری قوی است؛ زیرا بزرگداشت آنها از ضروری دین اسلام است پس سب آنها ارتداد است.» با توجه به اصل تفسیر محدود قوانین کیفری و از آن جا که بسیاری از پیامبران الاهی ناشناخته هستند به نظر می‌رسد؛ منظور از انبیای عظام الاهی، فقط پیامبران اولوالعزم باشند.

ج) ائمه معصوم و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام: منظور از ائمه معصوم، دوازده امام شیعه می‌باشد. برخی از فقها معتقدند که ناسزا به حضرت فاطمه زهرا در صورتی مشمول حکم سب نبی می‌باشد که این ناسزا به نوعی به پیغمبر برگردد (خمینی، ۱۳۷۰، ۳۵۳). همان‌طور که در تبصره ماده ۲۶۲ تصریح شده است، قذف یا دشنام به ائمه معصوم و حضرت فاطمه زهرا، در حکم سب نبی است. منظور از "در حکم سب نبی" دو احتمال است: الف) از هر لحاظ؛ یعنی مجازات، شرایط و ... در حکم سب نبی است؛ ب) فقط از لحاظ مجازات در حکم سب نبی است. با توجه به این‌که قانونگذار حکم مربوط به قذف یا دشنام ائمه معصوم و حضرت فاطمه را جداگانه در تبصره بیان کرده و از طرفی در سایر قوانین هم وقتی صحبت از "در حکم" است فقط از لحاظ مجازات در حکم جرم اصلی است.

ناسزا به سایر خویشان پیامبر اسلام: درباره سب دیگر خویشان پیامبر، مانند پدر، مادر، همسر و فرزند ایشان، بین فقها اختلاف دیدگاه وجود دارد (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۲۰) برخی از فقها مانند صاحب ریاض و شهید ثانی، سب مادر پیامبر را هم مشمول حکم سب نبی دانسته‌اند (نجفی، ۱۳۶۳، ص ۴۷۳-۴۳۸). اما با توجه به احصای قانونگذار در ماده ۲۶۲، جرم سب نبی فقط شامل افراد مذکور در این ماده است.

اهانت و توهین

در المنجد آمده است: «هان یهون هوناً وهواناً مهانه الرجل: ذل وحقیر، ضعف و سکن. تهاون به تها.ناً واستهان به استهانه: استخقره واستهزأ به و استخفه» (معلوف، ۱۹۰۸، ص ۹۷۰). همچنین اهانت به معنای سبک داشتن کسی را، خوار و ذلیل گردانیدن و مترادف با توهین و تحقیر و استخفاف است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۳۴۰).

بررسی فقهی - حقوقی دشنام به اشخاص مقدس و اهانت به مقدسات ◇ ۱۹۱

توهین به معنای سست کردن و کوچک شمردن است و در زبان عربی، به جای این واژه از «اهانت» استفاده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۶۲۷۸). توهین (اهانت) شامل اسناد و اخبار نیست و باعث وهن در حیثیت بزه دیده می‌شود (لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۳). هتک حرمت عنوان عامی است که شامل افترا و توهین می‌باشد (لنگرودی، ۱۳۸۲، ص ۱۷۳).

توهین به اشکال گوناگون ظاهر می‌شود، مانند لفظی، کتبی، فعل، ترک فعل و اشاره. از نظر برخی حقوقدانان، توهین با ترک فعل محقق نمی‌شود، مگر در مواردی که حکم خاص صریحی وجود داشته باشد. حتی اگر شخصی در هنگام شنیدن نام پیامبر اسلام و حتی به قصد توهین صلوات نفرستد مرتکب توهین نشده است (میرمحمد، ۱۳۹۳، ص ۱۷۴-۱۸۱). برخی معتقدند امکان تحقق توهین با ترک فعل وجود دارد؛ مثلاً اگر کسی هنگام شنیدن نام پیامبر عمداً صلوات نفرستد، توهین محسوب می‌شود؛ اما لزوماً جنبه کیفری نخواهد داشت (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۹۳). در تقسیم‌بندی دیگری توهین یا ساده است یا مشدد. منظور از توهین ساده جرم موضوع ماده ۶۰۸ می‌باشد که شامل توهین به افراد عادی است. توهین مشدد به چند اعتبار است (میرمحمد، ۱۹۳، ص ۱۷۷):

الف) شخصیت و مقام مخاطب توهین (مواد ۵۱۳، ۵۱۴ و ۶۰۹)؛

ب) شیوه و نحوه ارتکاب (هجو موضوع ماده ۷۰۰)؛

ج) کیفیت و ماهیت توهین (افترای نظری و عملی موضوع مواد ۶۹۷ و ۶۹۹ یا قذف موضوع ماده ۲۴۵)؛

د) جنسیت یا سن قربانی (موضوع ماده ۶۱۹).

رکن قانونی جرم دشنام به اشخاص مقدس، موضوع مواد ۲۶۲ و ۲۶۳ قانون م.ا، مصوب ۱۳۹۲، مواد ۶، ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ و ماده ۵۱۳ قانون م.ا، مصوب ۱۳۷۵ و رکن قانونی جرم اهانت به مقدسات مواد ۶، ۲۶ و ۲۷ ق.م.ا، مصوب ۱۳۶۴ و ماده ۵۱۳ ق.م.ا، مصوب ۱۳۷۵ است.

ویژگی‌های توهین

برای این‌که رفتاری مشمول عنوان توهین قرار گیرد، باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

(الف) معین بودن مخاطب؛

(ب) صراحت و ظهور الفاظ و حرکات توهین‌آمیز؛

(ج) عدم لزوم ابتدایی یا ارتجالی بودن توهین؛

(د) نسبی و زمانی و مکانی بودن توهین (میر محمد صادقی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۱-۱۷۳).

برخی بر این عقیده‌اند که جرم توهین به سوء نیت خاص احتیاج ندارد و جرمی مطلق است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۳). برخی دیگر جرم موضوع ماده ۵۱۳ را مقید دانسته‌اند که باید باعث تنزل و کسر شأن مخاطب شود (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۳). ولی به نظر می‌رسد صرف دشنام به اشخاص مقدس و توهین به مقدسات بدون این‌که مقید به نتیجه خاصی باشد مراد قانونگذار بوده است زیرا اولاً مقدسات اسلامی از ارزش بالای مذهبی برخوردارند و صرف توهین به آن‌ها کفایت می‌کند ثانیاً ظاهر عبارت قانونگذار در مواد ۲۶۲ و ۵۱۳ مقید به قیدی نشده است.

مقدسات اسلامی

«مقدسات»، جمع «مقدسه» به معنای به پاکی یاد شده، به پاکی خوانده شده، پاک و پاکیزه و منزّه است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۸۸۲۶). انسان‌ها از ارزش ذاتی برخوردارند

بررسی فقهی - حقوقی دشنام به اشخاص مقدس و اهانت به مقدسات ◇ ۱۹۳

و کرامت و حیثیت آنها نباید آسیب ببیند. در ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اشاره شده است: «در باره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد.» ارزش‌های دینی بر حیثیت و کرامت افراد مؤثر است. در ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به حق آزادی تفکر، وجدان و مذهب اشاره و اجبار برای پذیرش یک مذهب ممنوع شده است.

مقدسات اسلامی دو دسته است: یک دسته اجماعی است، مثل توحید، نماز و روزه و در مورد دسته دوم اختلاف دیدگاه است، مثل نماز شکسته که در این جا ملاک تشخیص اهانت، عرف متشرعه است (احمدزاده، ص ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد با توجه به اصل تفسیر محدود قوانین کیفری، منظور از مقدسات اسلامی فقط آن دسته از اموری باشد که بین تمامی مسلمانان مقدس است نه مواردی که بین آنها اختلاف دیدگاه وجود دارد. بنیانگذار جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری موضوع ماده ۵۱۴ جزو مقامات سیاسی هستند و نه مقدسات مذهبی و مجازات جداگانه‌ای برای آنها در ماده ۵۱۴ پیش‌بینی شده است (شامیاتی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۹). انکار برخی از اصول دین ملازمه با اهانت به مقدسات ندارد (احمدزاده، ص ۱۹۰). منظور از واژه «هرکس» در ماده ۵۱۳ اعم از مسلمان و غیرمسلمان است (ولیدی، ۱۳۹۳، ص ۳۷۶). از نظر برخی، آن قسمت از ماده ۵۱۳ که مربوط به حکم ساب‌النبی می‌باشد توسط ماده ۲۶۲ نسخ شده است. (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۳). شرط حمایت کیفری از توهین به مقدسات سایر ادیان این است که مقدسات آنها هم از لحاظ دین اسلام جزو مقدسات اسلامی باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۱).

سب نبی و اهانت و تفاوت‌های آن دو

راغب در المفردات می‌گوید: والسب الشتم الوجیح: سب عبارت است از دشنام درناک و زشت (اصفهانی، ج ۲، ص ۲۴۷). و شاهد مثال از قرآن کریم می‌آورد: ولا تسبوا الذین یدعون من دون الله فیسبواالله عدوا بغير علم: دشنام ندهید شکا مؤمنان به آنان که غیر از خدا را می‌خوانند، مبادا آن‌ها از روی دشمنی خدا را دشنام دهند (انعام، آیه ۱۰۷). "سب" مترادف با دشنام دانسته شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۱۷۹۵). همچنین «سب»، به معنای ناسزاست و اخص از توهین می‌باشد (لنگرودی، ۱۳۸۲، ۳۷۵). در برخی روایات، انکار فضیلت پیغمبر هم مشمول حکم سب نبی دانسته شده است. برخی، سب را در معنای عام، مترادف توهین لفظی یا کتبی دانسته‌اند (زراعت، ۱۳۸۵، ص ۸-۱۱).

سب نبی با اهانت متفاوت است. برخی از این تفاوت‌ها عبارتند از:

الف) از جهت فرد اهانت شونده: در سب نبی، مخاطب سب عبارتند از پیامبر اسلام، انبیای عظام الاهی، ائمه معصوم و حضرت فاطمه زهرا؛ اما در اهانت به مقدسات، مخاطب اهانت علاوه بر موارد مذکور در بالا، مقدسات اسلام را هم دربر می‌گیرد.

ب) از جهت رفتار مجرمانه: در سب نبی رفتار مجرمانه، قذف یا دشنام است؛ ولی در اهانت به مقدسات، رفتار مجرمانه اهانت (به غیر از قذف و دشنام) است.

ج) رکن روانی: در سب النبی سوء نیت خاص (قصد خوار و تحقیر کردن) لازم نیست و قصد توهین در سب در تقدیر است؛ ولی این رکن در توهین لازم است. در رکن روانی صحبت از سوء نیت عام و خاص است. سوء نیت عام شامل علم و اراده است. در این جا شخص باید به توهین آمیز بودن عمل و مقدس بودن موضوع علم داشته باشد. البته علم او مفروض است (احمدزاده، ۱۳۹۴، ص ۲۹۱). علاوه بر سوء

بررسی فقهی - حقوقی دشنام به اشخاص مقدس و اهانت به مقدسات ◇ ۱۹۵

نیت عام، سوء نیت خاص (قصد اهانت) باید وجود داشته باشد. متنها در این جا اماره بر قصد اهانت وجود دارد و متهم باید خلاف آن را اثبات کند (گلدوزیان، ۱۳۹۰، ص ۲۵۱). در ساب النبی سوء نیت خاص (قصد خوار و تحقیر کردن) لازم نیست و قصد توهین در سب در تقدیر است؛ ولی در توهین لازم است (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۱۳).

ج) از جهت مجازات: مجازات سب نبی، حد است؛ ولی مجازات اهانت به مقدسات تعزیر است (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۱۱-۱۳).

د) از جهت شکلی: برای کشتن ساب النبی، به اذن حاکم احتیاجی نیست (طیبی جبلی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۰). ساب النبی مهدور الدم مطلق و مشمول بند الف ماده ۳۰۲ است. از آن جا که مرتکب بدون اذن دادگاه اقدام کرده و نظم عمومی را برهم زده است، طبق تبصره یک این ماده به تعزیر محکوم می شود. به نظر می رسد سب نبی و اهانت به مقدسات جزو جرایم علیه امتی ملی نمی باشد، بلکه جزو جرایم علیه ارزش های معنوی و مذهبی یک جامعه است و بنابراین در دادگاه انقلاب رسیدگی نمی شود، بلکه رسیدگی به جرم سب نبی، با استناد به بند الف ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴، در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به جرم اهانت به مقدسات اسلامی، با استناد به ماده ۳۰۱ در صلاحیت دادگاه کیفری دو است.

چون سب نبی از جمله حدود است، اگر در خارج از کشور ارتکاب یابد (چه توسط تبعه ایران و چه غیرایرانی) در صورتی که مرتکب به ایران مسترد، یا در ایران یافت شود، به مجازات آن محکوم می شود و چون این جرم از جمله جرایم حق الهی است، امکان رسیدگی غیابی هم وجود ندارد (زراعت، ۱۳۹۳، ص ۱۳). از لحاظ

تطبیقی می‌توان موضع دو کشور آمریکا و لبنان را در خصوص اهانت به مقدسات بررسی کرد. در ایالات متحده، در سطح فدرال دینی به رسمیت شناخته نشده است. در برخی ایالات، مانند ماساچوست توهین به مقدسات جرم بوده و در ایالت مریلند، تا دهه ۱۹۳۰ قانونی در خصوص جرم‌انگاری توهین به مقدسات وجود داشته است. البته فقط از پیروان حضرت مسیح حمایت کیفری به عمل می‌آمد. رکن مادی جرم شامل انتشار هر اثری بود که مطالب تحقیرآمیز و اهانت بار درباره مقدسات مسیحی به شکل بی‌ادبانه بیان کند و موجب جریحه‌دارشدن احساسات و اعتقادات مردم شود، یعنی صلح و آرامش مردم را برهم زند. در آمریکا به لحاظ وابستگی نظام حقوقی آن، به نظام کامن لای انگلستان، توهین به مقدسات جرمی است علیه اخلاق و امنیت عمومی. اما با تصویب لایحه حقوق بشر در سال ۱۷۹۱ و باتوجه به برخی از اصول متمم قانون اساسی ایالات متحده، از این عنوان جرم زدایی به عمل آمده است.^۱ همچنین در مواد ۴۷۳ تا ۴۷۶ قانون جزای لبنان به جرم توهین به مقدسات مذهبی اشاره شده است. در این قانون، مجازات اعدام وجود ندارد. مجازات‌ها از یک ماه تا سه سال حبس و جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصد هزار لیره در تغییر است. برخی از عناوین مجرمانه در این زمینه عبارتند از: بی حرمتی به نام خدا، تحقیر شعائر دینی، تخریب یا آلوده کردن اماکن مقدس. در این قانون به وجود سوءنیت

بررسی فقهی - حقوقی دشنام به اشخاص مقدس و اهانت به مقدسات ◇ ۱۹۷

خاص مثل قصد جریحه‌دارکردن احساسات عمومی نیازی نیست.^۱ مواد ۳۸۳ تا ۳۹۰ قانون جزای لبنان هم به ذم و قدح و تحقیر مأموران و کارمندان دولتی می‌پردازد.^۲

نتیجه‌گیری

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۶۲، سب نبی به‌عنوان یکی از حدود الهی و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در ماده ۵۱۳، اهانت به مقدسات اسلامی به‌عنوان تعزیر جرم‌انگاری شده است. دشنام عبارت است از اهانت لفظی که در معنا نزدیک قذف باشد؛ یعنی فحش ناموسی و اگر نسبت به اشخاص احصا شده در ماده ۲۶۲ و تبصره آن باشد، موجب حد اعدام و اگر نسبت به سایر اشخاص مقدس باشد، مشمول ماده ۵۱۳ و موجب تعزیر است. اهانت به مقدسات هم مشمول ماده ۵۱۳ قرار می‌گیرد که از لحاظ رفتار مجرمانه شامل گفتار و رفتار اهانت آمیز نسبت به مقدسات اسلامی است. حمایت کیفری از مقدسات دینی در کشورهای مختلف، با توجه به میزان حساسیت آن کشور به امور دینی نوسان دارد. در ایران از زمان تصویب متمم قانون اساسی تا تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مقدسات به انحاء مختلف مورد حمایت کیفری قانونگذار ایران قرار گرفته است. در ایالات متحده آمریکا تا قبل از تصویب لایحه حقوق بشر در سال ۱۹۷۱ در برخی ایالت‌ها، توهین به مقدسات جرم بوده است و بعد از تصویب این لایحه از

۱. همان، ص ۹۸

۲. نک.عباس، زراعت، حقوق جزای اختصاصی تطبیقی، ج ۳، صص ۱۴۰-۱۴۳

۱۹۸ ◇ فصلنامه علمی - تخصصی فرصت

این عنوان جرم زدایی به عمل آمد. در لبنان هم توهین به مقدسات مذهبی جرم است.

منابع

۱. ولیدی، محمدصالح، شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی در مقایسه و تطبیق با قانون سابق، انتشارات جنگل، جاودانه، چ سوم، ۱۳۹۳
۲. شامبیاتی، هوشنگ، جرایم علیه اشخاص، انتشارات مجد، چ دوم، ۱۳۹۳
۳. زراعت، عباس، شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی (حدود)، انتشارات جاودانه، جنگل، چ اول، ۱۳۹۳
۴. میرمحمد صادقی، حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، انتشارات میزان، چ بیست و پنجم، ۱۳۹۳
۵. زراعت، عباس، حقوق جزای اختصاصی تطبیقی-۳ (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، انتشارات ققنوس، چ اول، ۱۳۸۵
۶. احمدزاده، ابوالفضل، توهین به مقدسات مذهبی، انتشارات مجد، چ اول، ۱۳۹۴
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چ سیزدهم، ۱۳۸۲
۸. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، موسسه انتشارات دارالعلم، چ اول، قم، ۱۳۷۰
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ اول، ۱۳۷۳، ج ۵، ۷، ۸، ۱۰، ۳

۱۰. زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات-۱، انتشارات ققنوس، چ اول، ۱۳۸۲
۱۱. شامبیاتی، هوشنگ، جرایم علیه آسایش عمومی، انتشارات مجد، چ دوم، ۱۳۹۳
۱۲. طیبی جبلی، مرتضی و اطهری، مهرداد، فقه جزایی (مبانی تکمله المنهاج)، نشر میزان، چ اول، ۱۳۹۳
۱۳. گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات مجد، چ چهاردهم، ۱۳۹۰
۱۴. النجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام، دارالکتب الاسلامیه، چ دوم، تهران، ۱۳۶۳